

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله في الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / بیمه / جلسه ۴ (۱۰/۸/۱۴۰۲) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بیمه – اقوال فقها در موضوع بیمه، اثباتاً و نفیاً

موضوع بحث امروز: نقد و بررسی ادله مخالفین بیمه

مقدمه: گفته شد که مخالفین بیمه، ادله‌ای را بیان کرده‌اند که مبنای همه آنها این بود که بیمه اکل مال به باطل است ولی پاسخ‌هایی که در این زمینه لازم بود عرض شد و مراد از اکل مال به باطل نیز توضیح داده شد. در بحث امروز چند نکته ضروری که عنوان مقدمه در شناخت ماهیت بیمه را دارند، عرض می‌کنیم.

بیمه با هیچکدام از عقود متعارف قابل انطباق نیست

تذکری که قبل از بیان نکات مقدمه‌ای ذکر آن لازم است - قبلاً نیز اشاره شد - این است که ما در بحث بیمه، انطباق بیمه با سایر عقود مثل صلح، هبه معوضه، عقد ضمان، عقد مضاربه، ضمان جریره، و... را قبول نداریم و معتقدیم که بیمه، عقدی مستقل و مستحدث است بلکه ما می‌گوئیم بیمه منشعب از عقود مانند ضمان جریره، ضمان درک و ضمان تعهد نیز نمی‌باشد و این بخاطر ماهیتی است که در بیمه وجود دارد و هیچکدام از عناوین فوق‌الذکر همسویی با بیمه به معنای رایج امروز ندارند، بلکه اگر بخواهیم با حذف و اضافه، بیمه را به یکی از عناوین فوق مرتبط بدانیم و یا اینکه مشترکاتی از حیث احکام و شرائط وجود داشته باشد، شاید این امر ممکن باشد اما حقیقت امر این است که بیمه، استقلالی فراتر از آنچه در برخی ضمانات وجود دارد، می‌باشد.

و لذا تا ماهیت بیمه مشخص نشود، نمی‌توانیم تمسک به عموماً اوفوا بالعقود، تجارة عن تراض و المؤمنون عند شروطهم، داشته باشیم.

برای فهم ماهیت بیمه چند نکته لازم است

نکته اول: در اینکه بیمه را "عقد" بدانیم یا قرارداد در ماهیت بیمه تاثیری ندارد، چرا که نتیجه در هر کدام، واحد و مشخص است و آن التزام طرفین به تعهد و آثاری است که از ناحیه این تعامل بر یکدیگر محول شده است (لفظ عقود را معمولاً در عقود متعارف در فقه استعمال می‌کنند و قرارداد را در عقود مستحدثت بکار می‌برند)

نکته دوم: آن است که در تعریف و بیان ماهیت بیمه باید از عناوینی مانند «تضمین و ضمانت» دوری جست تا تداخل یا لااقل تداعی بحث ضمان در بیمه نشود، هر چند بسیاری از فقها در این مساله شاید مسامحه از این عناوین و کلمات بهره برده‌اند، چنانکه مرحوم امام خمینی، ره از همین عنوان استفاده کرده‌اند و می‌فرمایند: «بدون شک، بیمه که عبارت است از تضمین و تعهد جبران خسارت احتمالی، بر دارایی، یا جان کسی، در برابر مقدار معینی از مال، از معاملات عقلایی و رایج در سراسر جوامع بشری حاضر است. به گونه ای که رد آن، نوعی سفاهت شمرده می‌شود و رغبت و اشتیاق بدان، نوعی خردمندی و دوراندیشی.

به هر صورت آنچه که حقیقت بیمه را شکل می‌دهد «تأمین» که به معنای ایمن کردن، امنیت دادن و اطمینان دادن است نه «تضمین» که معنای آن عهده گرفتن تاوان است و این نقطه اساسی در تفاوت حقیقت بیمه به معنای رایج در زمان حاضر با عناوین معهود در فقه است که گاه اشتباهاً و یا تسامحاً از آن استفاده شده است.

نکته سوم: اینکه طرفین بیمه ملزم به انجام تعهدات خود می‌باشند و در برخی آثار، شباهت به عناوینی چون ضمان جریره، درک، عاقله و... دارد مستلزم آن نیست که بیمه را در زمره ضمان و عناوین معهود در فقه، بدانیم.

نکته چهارم: اشتراک ادله در بیمه و عقود معهود نیز دلیل بر وحدت نسبی یا مطلق میان بیمه و عقود دیگر نمی‌شود، چرا که عمومات و اطلاقات ادله، فقط ناظر به عقود معهود و متعارف در فقه نمی‌شود، بلکه در موارد تمسک به عمومات و اطلاقات ادله، آنچه مهم است اثبات مشروعیت عقود است مطلقاً؛ مسبوق به سابقه باشد یا نباشد، چرا که در عقود معهوده نیز برخی عقود دارای همین ویژگی می‌باشند که برای اثبات اصل و مسائل آن به همین عمومات تمسک می‌شود مانند کفالت و ضمانت.

نکته پنجم: بسیاری از فقهای محترم، بیمه را طوری تعریف کرده‌اند که بیشتر معطوف به عملیات بیمه است، بدون آنکه بیانشان ناظر به ماهیت حقوقی شرکت‌های بیمه باشد، چنانکه برخی دیگر با لحنی نزدیک به احتیاط بیمه را در قالب یکی از عقود متعارف آورده‌اند و آنگاه حکم به صحت آن داده‌اند؛ مثلاً محقق خویی، ره بیمه را تحت عنوان عقد هبه تصحیح می‌نمایند، می‌فرمایند: «می‌توان قرارداد بیمه را با تمام اقساط آن از باب هبه معوضه، تصحیح کرد. به این معنی که بیمه‌کننده مبلغی را بطور ماهیانه یا سالیانه یا یکجا به بیمه‌گر هبه می‌کند و در ضمن عقد هبه، به بیمه‌گر شرط می‌کند که در صورت پیش‌آمد و رخداد هر نوع خسارتی که در بیمه‌نامه ذکر شده، باید بیمه‌گر، آنرا جبران کند آیت الله العظمی وحید خراسانی می‌فرمایند: احوط آنست که مثلاً بیمه‌شونده مال معینی به بیمه‌کننده، صلح کند به شرط آنکه بیمه‌کننده، خسارت احتمالی که معین شده جبران نماید و بر بیمه‌کننده، جبران واجب می‌شود. آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی می‌فرمایند: «... این معامله داخل در هبه مشروطه است و چنانچه آسیبی وارد شود حسب شرط، بر مشروط‌علیه واجب است که از عهده برآید و برای گیرنده اشکالی ندارد.

نکته ششم: در مقابل گروه فوق، عده کثیری از فقها معتقدند که بیمه یک عقد مستقل است؛ امام خمینی، ره در تحریر الوسیله به جایگاه بیمه در بین عقود اشاره کرده‌اند و می‌گویند: «ظاهر این است که بیمه عقدی است مستقل و بدون شبهه این بیمه‌ایکه در زمان ما رائج و متعارف است، نه صلح است و نه هبه معوضه؛ احتمال هم دارد که عقد مستقلی نباشد، بلکه مصداقی از ضمانت با عوض باشد لکن عقد مستقل بودنش روشن‌تر است و از باب ضمان عهده نیست، بلکه از باب التزام به جبران خسارت است، هر چند که آنرا هم بنحو صلح می‌شود واقع ساخت و هم بصورت هبه معوض و هم ضمان معوض (لکن این دلیل نمی‌شود بر اینکه بیمه یکی از اینهاست)

نکته هفتم: عده‌ای از فقها همچون صاحب عروة، ره معتقدند که انحصار در عقود را نمی‌پذیریم، و برای مشروعیت عقود مستحدثه نیاز به دلیل خاص نمی‌باشد بلکه به مقتضای عمومات ادله، هر معامله عقلایی، صحیح می‌باشد، مگر اینکه دلیل خاص بر عدم صحت آن داشته باشیم.

لذا هر گونه عقدی که بر اساس رضایت دو طرف یا انشاء یک طرف پدید آید، صحیح و لازم‌الوفا می‌باشد و بنا بر تعمیم مفاد آیه، بر صحت عقدی که صحت آن مشکوک باشد، می‌توان استدلال کرد، با این شرط که عقد بودن آن از نظر عرف اثبات شود، و هیچ نهی و ردعی بر صحت آن عقد وجود نداشته باشد.

نکته هشتم: ماهیت بیمه، ذاتاً معلق است یعنی تعهد بیمه‌گر منوط به تحقق خسارت در مورد بیمه می‌باشد و لذا تعلیق نه به عنوان شرط خارجی بلکه این تعلیق در ذات بیمه می‌باشد، ولی تعهد بیمه‌گذار معلق و منوط به پرداخت حق بیمه نسبت به موضوع بیمه می‌باشد؛ به عبارت صریح‌تر: ماهیت و ذات بیمه معلق است نه اینکه عقد بیمه معلق باشد بر وقوع و پرداخت خسارت از طرف بیمه‌گر.

به هر حال بیمه از عقدهای متعارف و متداول است و عقلاً در اصل آثار و احکام مجزا، تفاوتی میان آن و دیگر عقدها در آثار و نتایج نمی‌بینند؛ به اضافه آنکه فقها، صرف نظر از انطباق عقد بیمه با سایر عقود، بر این عقیده هستند که عقد بیمه، عقد مجزا و مستقلی است که همچون سایر عقود تابع قواعد عمومی قراردادها بوده و سازگار و منطبق بر اصول و موازین فقهی و حقوقی است و حکم به صحت و مشروعیت آن داده‌اند، در نتیجه عقد بیمه، عقد صحیحی است که تقریباً تمام فقها بر صحت آن متفق هستند و اشکالات و شبهاتی که برای عدم اعتباری عقد بیمه مطرح شده، هیچ یک وارد نیست و همگی قابل دفع می‌باشند.

ادامه بحث در جلسه آینده ان شاء الله

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين